

## Reviewing the role of historical propositions in the critique of hadiths

*Naser Rafiei Mohammadi<sup>1</sup>*

Received: 2021/08/25 | Accepted: 2021/11/29

(DOI): [10.22034/MTE.2021.6493](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.6493)

Original Article

P 66 - 83

### Abstract

History and hadith are two basic sciences, intertwined and influential in understanding religious teachings. The Qur'an and hadiths, as the two main sources of understanding religion, contain many historical reports, so that, it is not possible to understand many correct historical narrations (Revayat) without referring to them. The stories of the prophets, the past tribes and many events have reached us in the light of the revelation (Vahy) and the words of the infallibles. Historical books developed as independent knowledge gradually and went beyond the realm of the Qur'an and Hadith. This valuable knowledge came to the aid of understanding the hadith and distinguishing the true narrations from the false ones and became a source for the critique of hadiths. The year of the narrators' death and birth, the time of natural disasters such as earthquakes and floods, events such as war and peace, and other historical reports became the basis for identifying authentic narrations and removing invalid narrations and resolving contradictions between hadiths. Comparing hadiths with history along with key criteria such as presentation on the Qur'an and Sunnah, consensus (Ejma), reason (Aql), definite scientific findings, etc. is considered as an independent criterion alone which should be examined by observing the rules and preserving the maximum protection of the hadith.

**Keywords:** Criticism, text critique, history, hadith, hadith subject.

---

1 - Associate Professor of the Complex of History, Tradition and Islamic Civilization of the Mostafa International Society (PBUH)  
Qom, Iran/ N.rafei110@yahoo.com

## بازکاوی نقش گزاره های تاریخی در نقد محتوایی احادیث

ناصر رفیعی محمدی<sup>۱</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2021.6493

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۶/۰۳، تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۹/۰۸

علمی - پژوهشی

ص: ۸۳/۶۶

چکیده

تاریخ و حدیث دو دانش بنیادین، درهم تنیده و تاثیرگذار در فهم معارف دینی است. قرآن و روایات به عنوان دو منبع اصلی فهم دین و مشتمل بر گزارش های فراوان تاریخی است، به گونه ای که بدون مراجعه به آن، فهم بسیاری از نقل های تاریخی صحیح ممکن نیست؛ داستان های انبیا، سرگذشت اقوام گذشته و بسیاری از حوادث دیگر، در پرتو وحی و کلام معصومان به ما رسیده است. کتب تاریخی به تدریج، صورتی از دانشی مستقل را شکل داد و حیطة ای فراتر از دایره قرآن و حدیث را پدید آورد. این دانش ارزشمند به مدد فهم حدیث و تشخیص روایات سره از ناسره آمد و خود منبعی برای نقد و بررسی احادیث شد. شاخص هایی چون سال وفات و تولد راویان، زمان وقوع حوادث طبیعی مانند زلزله و سیل، رخدادهایی مانند جنگ و صلح و دیگر گزارش های تاریخی از این قبیل، بستری برای تشخیص روایات معتبر و حذف روایات فاقد اعتبار و رفع تناقض بین احادیث را فراهم آورد. سنجش احادیث با تاریخ، در کنار معیارهای کلیدی مانند عرضه بر قرآن و سنت، اجماع، عقل، یافته های قطعی علمی و... معیاری دقیق و مستقل محسوب می شود که لازم است با رعایت ضوابط و تحفظ بر صیانت حداکثری از حدیث، مورد بررسی قرار گیرد.

**کلیدواژگان:** نقد، نقد متن، تاریخ، حدیث، حدیث موضوع.

۱. دانشیار مجتمع تاریخ، سیره و تمدن اسلامی جامعه المصطفی (ص) العالمیة قم، ایران، N.rafeii110@yahoo.com

مقدمه

سخنان و احادیث معصومان (ع) پس از قرآن کریم، دومین منبع دست‌یابی به احکام و معارف دینی است. قرآن کریم در آیات متعددی بر حجیت سیره پیامبر (ص) تأکید کرده (حشر ۷، آل عمران ۳) و پیروی از پیامبر را پیروی از خدا خوانده است (نساء ۸۰). هم‌چنین آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از رسول خدا (ص) به صراحت، حجیت سخنان و سیره اهل بیت (ع) را بیان می‌کند (نساء ۵۹).

اندیشه خطرناک اکتفا به قرآن و بی‌نیازی از حدیث، با شعار "حسبنا کتاب الله"، در ماجرای قلم و دوات خواستن پیامبر (بخاری ج ۶ ص ۹)، آغاز شد و با منع رسمی نگارش حدیث، ادامه یافت. این اندیشه، امروز، در قالب تفکر قرآنیون تبلور یافته و منجر به حدیث‌ستیزی شده است (ر)، ک نقد مبانی قرآنیون در نفی حجیت و احراز سنت نبوی، کتاب قیم شماره ۱۶ دوره ۷، ۱۳۹۶، زینب طیبی و محمدعلی مهدوی‌راد)

نقش احادیث در استنباط احکام، فهم قرآن، بیان معارف اعتقادی و ذکر وقایع تاریخی، انکار شدنی نیست. اهمیت حدیث در نگاه پیشینیان به حدی بود که برخی بزرگان برای شنیدن حدیثی از یک راوی، رنج سفر را بر خود هموار ساخته و راه‌هایی طولانی را می‌پیمودند، خطیب بغدادی در کتاب (الرحله فی طلب الحدیث)، گزارش سفر جابر بن عبدالله انصاری را برای شنیدن حدیثی از راوی نخستین ذکر کرده است (خطیب بغدادی ص ۱۰۰). پاره‌ای از روایات نورانی اهل بیت، از زمان صدور تا کنون به انگیزه‌های مختلفی دچار تحریف، نقصان، ازدیاد، جابه‌جایی و جعل شده است (ر)، ک ناصر رفیعی محمدی ص ۴۵؛ به گونه‌ای که رسول خدا (ص) بارها فرمود: من کذب علی متعمداً فلیتبعوا مقعده من النار (ابن جوزی ص ۸۵) کسی که عمداً بر من دروغ ببندد باید جایگاهی از آتش انتخاب کند.

گرچه منابع شیعی کمتر در معرض این آسیب قرار گرفته و بیشترین کتاب‌های "الموضوعات" توسط دانشمندان اهل سنت به رشته تحریر درآمده (ر)، ک ناصر رفیعی محمدی ص ۴۵)، اما بدون تردید، روایات شیعی نیز از این آسیب در امان نمانده است؛ به گونه‌ای که در موارد بسیاری، منجر به تعارض احادیث شده است. مرحوم شیخ طوسی انگیزه خود را از نگارش کتاب "الاستبصار فیما اختلف من الاخبار" رفع همین تعارضات ذکر می‌کند. این کتاب، نخستین اثر در جمع بین روایات متعارض است. ایشان در ابتدای هر باب روایات معتبر را آورده، سپس روایات متعارض را ذکر کرده و به جمع یا نقد یا طرد آن می‌پردازد.

روش حدیث پژوهان از آغاز در پالایش اخبار سره از ناسره، بر دو محور نقد سند و نقد متن استوار بوده است. در نقد سند اعتبار و وثاقت راویان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، اما در نقد متن به مضمون و محتوای حدیث پرداخته می‌شود. معیارهای نقد احادیث متعددند؛ دو معیار قرآن و سنت مورد پذیرش همه حدیث پژوهان و فقهاست، اما معیارهای دیگری مانند تاریخ، اجماع، علم روز و عقل، محل اختلاف است (ر، ک الحدیث النبوی بین الروایه و الدرايه، جعفر سبحانی).

گرچه بخشی از تاریخ نیز در قالب آیات قرآن و حدیث به ما رسیده است اما تاریخ، دانشی مستقل و علمی فراگیر محسوب می‌شود که می‌تواند معیاری برای نقد و ارزیابی بخشی از روایات و احادیثی باشد که با موضوعات تاریخی در پیوند است. پژوهش پیش رو این پیوند را مورد بررسی قرار داده و میزان کارایی تاریخ در نقد احادیث را تبیین می‌کند.

**جایگاه تاریخ:** واژه تاریخ (HISTORY)، در ادبیات پیش از اسلام یافت نمی‌شود، این کلمه در قرآن نیز نیامده، تاریخ و تواریخ در لغت یعنی شناساندن وقت (ارخت الکتاب بیوم کذا)، یعنی زمان نگارش نوشته را روشن کردم (جوهری ج ۱ ص ۴۱۸). ریشه آن را آرخ یا اِرخ به معنای گوساله وحشی ذکر شده است. برخی نیز معتقدند این واژه ریشه عربی ندارد (فرانتس ج ۲ ص ۸۴).

ابن خلدون تاریخ را دانشی به شمار می‌آورد که در ظاهر همان اخبار روزگار و سرگذشت دولت‌ها و آمد و شد آنهاست، اما در باطن علمی است درباره کیفیات وقایع و موجبات و علل حقیقی آنها (ابن خلدون ج ۱ ص ۶۴). ایجی موضوع تاریخ را آفریده‌ها به ویژه انسان و آثار فعالیت‌های آنان می‌داند (فرانتس ج ۲ ص ۲۰).

ابن عساکر آورده: تاریخ هر چیزی آخر آن و در مورد وقت، غایت و موضعی است که به آن منتهی می‌شود، برای هر سرزمین و هر ملتی تاریخی است و قدر مشترک همه آنها این است که به وسیله زمان، حوادث مشهور و معروف خود را مشخص می‌کنند (ابن عساکر ج ۱ ص ۲۴).

حاجی خلیفه علم تاریخ را به شناخت احوال طوایف، شهرها، عادات و رسوم، فنون و صنایع، نسب‌شناسی و وفیات اختصاص داده و موضوع آن را احوال گذشتگان مانند پیامبران، اولیا، دانشمندان، حکما، پادشاهان، شاعران و غیره می‌داند (حاجی خلیفه ج ۱ ص ۲۷۱).

تاریخ آینه‌ای است که تصویر صدها سال حیات، اندیشه و وقایع گذشته را به نمایش می‌گذارد و از میان انبوه درس‌ها و عبرت‌های گذشته، معیارهایی را برای زندگی امروز بشر،

به جا نهاده و معین می‌سازد. کسب تجربه و عبرت‌آموزی، رسیدن به پایداری، دل‌گرمی به آینده، امید به تحول، الگوسازی و فراگیری راه‌های رشد و ترقی و... از آثار و برکات مطالعات تاریخی است.

### پیوند تاریخ و حدیث

تاریخ و تاریخ‌نگاری در اسلام پیوند عمیقی با حدیث دارد. در آغاز، وقایع تاریخی در قالب حدیث نقل می‌شد و راویان حدیث با تکیه بر سیره نبوی و امامان، به ذکر حوادث نیز می‌پرداختند. طبعاً همان شیوه‌های نقل و بررسی و نقد احادیث، شامل تاریخ هم می‌شد؛ بررسی اسناد، وثاقت و عدم وثاقت راویان، جرح و تعدیل آنان و تحلیل محتوای حدیث، در پذیرش یا عدم پذیرش گزاره‌های تاریخی نیز به کار می‌رفت. سخاوی دو شرط عمده مورخ را عدالت و ضبط می‌داند، یعنی همان شروطی که در محدث معتبر است (سخاوی ص ۱۷۵).

کافیجی برخورداری از چهار شرط عقل، ضبط، اسلام و عدالت را که در راویان حدیث معتبر است در تاریخ‌نگار نیز معتبر می‌داند (کافیجی ص ۶۴). علامه طباطبایی معتقد است که فن تاریخ در اسلام از فن حدیث مشتق و در آغاز از قصص انبیا، داستان امت‌ها و سیرت پیغمبر اکرم شروع شده و پس از آن، تاریخ صدر اسلام به آن اضافه گردیده و بعد به صورت تاریخ عالم درآمد است (طباطبایی ص ۱۰۹). از دیگر نشانه‌های ارتباط تاریخ و حدیث می‌توان به نام‌گذاری تاریخ به عنوان علم الاخبار اشاره کرد. از نظر جرجی زیدان حدیث در تاریخ‌نگاری مسلمانان تاثیر به‌سزایی داشته است (جرجی زیدان ص ۵۰۲).

اما به مرور، تاریخ از حدیث جدا شد و به عنوان علمی مستقل درآمد. نگارش ده‌ها کتاب در شرح حال نویسی مانند اسدالغابه فی معرفه الصحابه (ابن اثیر)، وقایع‌نگاری مانند وقعه الصفین (نصرین مزاحم)، نسب‌شناسی مانند انساب الاشراف (بلاذری)، طبقات مانند طبقات ابواسحاق شیرازی، تاریخ عام مانند مروج الذهب (مسعودی)، تاریخ خاص مانند تاریخ دمشق (ابن عساکر)، تاریخ فرهنگی و اجتماعی مانند عیون الاخبار (ابن قتیبه) و... از این نمونه است.

با توجه به گستردگی احادیث، امروز تاریخ به عنوان دانشی مستقل می‌تواند معیاری برای تشخیص و نقد احادیث به کار رود.

### جایگاه حدیث

بخش عمده‌ای از معارف دینی ما از طریق احادیث معصومان (ع) دریافت می‌شود. حدیث در اصطلاح، عبارت از سخنی است که قول و فعل و تقریر معصومان را حکایت می‌کند. حدیث حاکی است نه نفس فعل، تقریر معصوم و محکی (میرداماد ص ۳۷). حدیث پس از قرآن، در رتبه دوم از اعتبار قرار دارد و به تصریح قرآن کریم، گفتار و رفتار پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) حجت است (نساء ۵۹). اهمیت احادیث در فهم دین - به ویژه احکام و تکالیف شرعی - روشن است و نیازی به استدلال ندارد. به باور برخی، استنباط احکام شرعی تنها از طریق روایات ممکن است و دیگر طرق، چندان نقشی ندارد (خویی ج ۱ ص ۱۹). اغلب آیات قرآن به صورت کلی و مجمل به احکام و معارف پرداخته است. تلاش صحابه، تابعان و دانشمندان فریقین در جمع‌آوری احادیث و شکل‌گیری کتب اربعه و مصاح ششگانه، نشانه‌ای بر این جایگاه است.

### ضرورت و پیشینه نقد حدیث

نقد یعنی جدا کردن سره از ناسره، هم‌چنین به ضربه‌ای که با انگشت به یک گردو در هنگام بازی زده می‌شود نیز نقد می‌گویند (فراهیدی ج ۵ ص ۱۱۸). به کسی که پول تقابلی را از واقعی جدا می‌کند نیز نقاد می‌گویند (جوهری ج ۲ ص ۵۴۴).  
واژه نقد در همه علوم به کار می‌رود. نقد حدیث به دو شکل سندی و متنی (برونی و درونی) صورت می‌گیرد. نقد سندی، بررسی طریقی است که حدیث از آن طریق به ما رسیده است و نقد متنی، بررسی محتوا و مضمون حدیث و عرضه آن بر معیارهای معتبر است. در نقد متن، شخصیت و جایگاه راوی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. نقد متن، نقد تحلیلی و محتوایی است و در آن به دنبال کنار زدن روایات جعلی و موضوع هستیم. در نقد متن، تمام تلاش بر صیانت حدیث و پذیرش آن است. رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) همواره از خطر ورود احادیث موضوع، توسط مغرضین، به دایره سخنان‌شان، آگاهی و تذکر داده‌اند، تا آنجا که حدیث معروف رسول خدا که فرمود: "هرکس بر من دروغ ببندد باید جایگاهی از آتش برگزیند"، متواتر خوانده شده است (احمد امین ص ۲۱۸).

امام صادق (ع) می‌فرماید: مردم آنقدر بر دروغ بستن بر ما اهل بیت حریص‌اند که گویا خداوند این کار را بر آنها واجب کرده و چیز دیگری از آنها نخواست است (مجلسی ج ۲ ص ۲۴۶). امام در بیان دیگری می‌فرماید: آنقدر برخی بر ما دروغ بستند که حتی شیطان هم به کذب آنها محتاج شد (طبری ج ۱۱ ص ۱۱۶). اصحاب و تابعین نیز به نقد احادیث اهتمام داشتند تا آنجا که عایشه بخشی از احادیث اباهریره را به نقد کشیده و موضوع خوانده است (ر، ک الاصابه فیما استدرکته عائشه علی الصحابه سیوطی). اندیشمندان فریقین نیز از لزوم نقد احادیث سخن گفته‌اند.

مرحوم شیخ مفید تصریح می‌کند: گروهی کندذهن و ساده‌دل که تعلق خاطر بسیاری به اخبار دارند، نقد احادیث را باور نداشته و از کنار احادیث به راحتی می‌گذرند و در اسناد آن تامل نمی‌کنند. اینان تمایزی بین حق و باطل قایل نبوده و نکاتی را که در فهم حدیث دخالت دارد، درک نمی‌کرده‌اند (مفید ص ۸۸).

الحاج حسن می‌نویسد: نقد حدیث امری ضروری است، زیرا بین ما و صدور حدیث فاصله زیادی ایجاد شده و دستبرد، تغییر و تحریف در احادیث راه یافته، لذا ضرورت نقد حدیث در حقیقت به ضرورت حفظ انسانیت بر می‌گردد (حاج حسن ج ۲ ص ۱۵۵). محمود ابوریه می‌نویسد: محدثان به اشتباه به متن توجه نمی‌کنند و عقیده دارند که هرگاه سند درست بود، متن هم صحیح است (ابوابه ص ۲۸۵).

آثار فراوانی در مورد نقد متن به رشته تحریر درآمده که در اغلب آنها یکی از معیارهای نقد، توجه به تاریخ شمردن شده است، اما اثر مستقلی در این زمینه یافت نشد. بیشترین آثار مرتبط عبارتند از:

۱- پایان نامه دکتری: نقش تاریخ در نقد و بررسی حدیث، کمال صحرایی اردکانی، دانشکده اصول دین بهار ۱۳۸۵، نویسنده تحقیق مبسوطی در این رابطه انجام داده و در طی ۴ فصل به بررسی موضوع پرداخته و ده‌ها مثال ذکر کرده است.

۲- الاخبار الدخیله: علامه محمد تقی تستری، ایشان بخشی از کتاب را به این موضوع اختصاص داد و چند مثال آورده است.

۳- مشهورات بی‌اعتبار: مهدی سیمایی، نویسنده ضمن بحث در پیرامون روش ارزیابی و فهم حدیث، فصلی را به روایات تاریخی مشهور و بی‌اعتبار اختصاص داده است.

۴- اخبار و آثار ساختگی: هاشم معروف حسنی، محور عمده این کتاب

نقد روایات معارض با گزاره های تاریخی است.

۵- الحدیث النبوی بین الروایه و الدرایه: جعفر سبحانی، ۷ معیار نقد حدیث در این اثر مورد بررسی قرار گرفته که یکی از آنها تاریخ است.

### سنجش حدیث با تاریخ

قبل از ورود به بحث نقد احادیث با تاریخ با این پرسش ها مواجه می شویم که آیا می توان بر گزارش های تاریخی اعتماد کرد؟ آیا می توان از تاریخ انتظار دست یابی به حقیقت داشت؟ این پرسش ها به ویژه از آن رو اهمیت می یابد که در نظر داشته باشیم گزاره های تاریخی دچار تناقضات فراوانی در نقل است و علاوه بر آن، علم آور هم نیست. همچنین افرادی آگاهانه یا از روی جهل به تحریف و دستکاری نقل های تاریخی پرداخته اند. ابن خلدون از خطای مورخان در نقل اخبار نادرست، گله کرده و عوامل راه یابی دروغ به گزارش های تاریخی را چنین بر می شمارد: ۱- هواداری از عقاید و مکتب ها ۲- اعتماد زیاد به راویان ۳- خوش باوری و حسن ظن ۴- نا آگاهی نسبت به تطبیق وقایع ۵- تقرب به صاحبان قدرت ۶- ندانستن طبیعت و حالات اجتماع (ابن خلدون ج ۱ ص ۶۴).

احمد امین می نویسد: به همان اندازه که در حدیث، صحت و سقم و جعل و دروغ راه یافته، تاریخ هم به همین شیوه است؛ یک روایت آن درست و دیگری نادرست، یکی ضعیف و دیگری موثق و مورد اعتماد بوده است. مورخین هم بعضی صادق و برخی کاذب و جاعل و جمعی نیز سهل انگار به شمار می رفته اند (احمد امین ج ص ۳۵۴).

با وجود اعتراف به یقین آور نبودن تاریخ، نمی توان منکر نقش مهم آن در فهم گزاره های دینی بود. همانطور که جعل و وضع در احادیث، مانع بهره بردن از این میراث عظیم نشده، آمیختگی تاریخ به گزاره های نادرست نیز، مانع استفاده از حقایق تاریخی نیست.

علم تاریخ با علوم تجربی قابل مقایسه نیست. مطالب علوم تجربی آزمون پذیر و قابل تجربه است اما حوادث تاریخی هرگز عیناً تکرار نمی شوند. رویدادهای تاریخی همواره به زمان و مکان وقوع خود مربوط است و تنها یک بار روی می دهد. تاریخ متکی بر اسناد و مدارک است؛ اعتبار مدارک و شهرت آن، به گزاره های تاریخی اعتبار می بخشد. با وجود راه یابی مطالب نادرست و غیرواقعی به تاریخ، قرائن زیادی می توان یافت که امکان تفکیک صحیح از سقیم را فراهم می سازد و دستیابی به وقایع حقیقی تاریخی را فراهم می آورد و



نوعی اطمینان ایجاد می‌کند. اینجاست که می‌توان از گزارش‌های تاریخی اطمینان حاصل کرد و به کمک آن به نقد احادیث معارض با آن پرداخت. تواتر و شهرت اخبار تاریخی، بر اتقان آن می‌افزاید. پژوهشگر بعد از دستیابی به رویدادهای تاریخی اطمینان‌بخش، می‌تواند به نقد و بررسی اخبار و روایات مرتبط با تاریخ بپردازد.

به عنوان مثال، سال وفات یک راوی - از این منظر که قبل یا بعد از نقل حدیث است - می‌تواند معیاری برای نقد روایات نقل شده از او باشد. به عنوان نمونه: ما رواه الکافی عن علی بن ابراهیم عن ابیه و علی بن محمد عن القاسم بن محمد، عن سلیمان بن داود المنقری قال اخبرنی النضر بن اسماعیل البلخی عن ابی حمزه الثمالی عن شهر بن حوشب قال قال لی الحجاج و سألنی عن خروج النبی الی مشاهده فقلت شهید رسول الله بدرا فی ثلثمائه و ثلاثه عشر و شهید احدا فی ستمائه و شهید الخندق فی تسعمائه فقال عمّن؟ قلت عن جعفر بن محمد فقال: ضلّ والله من سلک غیر سبیله (کلینی ج ۵ ص ۴۵).

شهر بن حوشب می‌گوید: حجاج از من در مورد حضور پیامبر در نبردها پرسید. گفتم آن حضرت با ۳۱۳ نفر در بدر و با ششصد نفر در احد و با نهصد نفر در خندق حضور داشتند. حجاج گفت از چه کسی نقل می‌کنی؟ گفتم از جعفر بن محمد (ع). گفت هرکس غیر از او راهی ببیناید به خدا سوگند که گمراه شده است.

علامه تستری تصریح می‌کند که شهر بن حوشب و حجاج تا زمان امام صادق (ع) زنده نبوده‌اند و حجاج در سال ۹۵ مرده است. علاوه بر این، اصحاب پیامبر در احد ۷۰۰ نفر بوده‌اند (تستری ص ۱۱). سال مرگ راوی به عنوان گزارش تاریخی، زمینه نقد و رد این حدیث شده است.

ابن صلاح در کتابش، بابی با عنوان "معرفه تواریخ الرواه" گشوده و به سال تولد و مرگ و مدت عمر محدثان اشاره کرده است (ابن صلاح ص ۲۱۶).

ابن عساکر از قول حسّان بن زید آورده که هیچ چیزی به مانند تاریخ، در برابر دروغ‌گویان موثر نیست. به شیخ حدیث می‌گوییم در چه سالی متولد شده‌ای؟ هرگاه به سال تولد خود اقرار کرد راستی یا دروغ حدیثش را تشخیص می‌دهیم (ابن عساکر ج ۱ ص ۵۴).

کار آمدی تاریخ در نقد احادیث نادرست، تنها به سال تولد و وفات راوی مربوط نمی‌شود. تاریخ دقیق حوادث و وقایع، ساخت شهرها، شکل‌گیری حکومت‌ها، تاریخ غزوات، حوادث طبیعی و مانند آن نیز راه‌کاری برای پی بردن به ضعف یا جعل اخبار است.

اعتبار گزارش های تاریخی و اطمینان به آن از چند راه ممکن است:

- ۱- اجماع و اتفاق مورخین بر یک واقعه، بدون قرینه بر خلاف
- ۲- اعتماد بر منابع دست اول و قریب به زمان حادثه
- ۳- کثرت نقل در منابع مختلف تاریخی
- ۴- وجود قراین معتبر بر نقل تاریخی

### نمونه هایی از مخالفت تاریخ با حدیث

با کاوش و جستجو در منابع حدیثی به روایاتی برخورد می کنیم که با نقل های تاریخی در تعارض است و نمی تواند با تحفظ بر گزارش های تاریخی، از نظر محتوایی درست باشد. این روایات در زمینه های مختلفی است که به ذکر نمونه هایی از آن می پردازیم.

#### ۱- حضور اسماء در ازدواج حضرت زهرا (س)

در پاره ای منابع روایی آمده که اسماء بنت عمیس، در شب زفاف حضرت زهرا (س) در خانه آن حضرت بود این روایات در زمینه ولادت امام حسن و حسین (ع) نیز آمده است (مجلسی ج ۴۳ ص ۱۳۸).

این روایات، مخالف با گزارش های تاریخی مبنی بر هجرت جعفر بن ابی طالب با همسرش اسماء به حبشه است؛ هجرتی که تا سال هفتم هجری و فتح خیبر طول کشیده است (تستری ص ۱۴). آن گونه که علامه تستری تصریح کرده، شاید مراد اسماء دیگری باشد.

#### ۲- نزول آیه در مورد حمزه و جعفر و علی (ع)

کلینی از ابابصیر ذیل آیه اجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن امن بالله و الیوم الاخر (توبه ۱۹) نقل کرده که این آیه در مورد حمزه و علی (ع) و جعفر و عباس و شیبیه نازل شده است که آنها به سقایه و عمارت مسجد الحرام افتخار می کردند. خدای تبارک و تعالی این آیه را در مدح علی (ع) و حمزه و جعفر فرستاد (بحرانی ج ۳ ص ۳۸۲، کلینی ج ۸ ص ۲۰۴) بر طبق گزارش های تاریخی، حضرت حمزه در احد شهید شده، در حالی که سوره توبه در اواخر عمر پیامبر در مدینه نازل شده است. اجتماع این سه نفر مشکل است چرا که حمزه در احد شهید شد و جعفر در حبشه بوده است، مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: این روایت با نقل های تاریخی قطعی، سازگار نیست (طباطبایی ج ۹ ص ۲۱۵).

### ۳- سعد بن معاذ و نبرد تبوک

انس بن مالک نقل می‌کند، رسول خدا (ص) بعد از نبرد تبوک دست سعد را که برای تفقد خانواده‌اش کار می‌کرد، بوسید و فرمود این دستی است که آتش آن را لمس نمی‌کند. این خبر با نقل‌های تاریخی معتبر مبنی بر مرگ سعد بن معاذ در سال ۵ هجری مخالف است، در حالی که غزوه تبوک در سال ۹ هجری بوده است (ابن عبدالبرج ۲ ص ۱۶۷).

### ۴- نزول آیه انذار در سال سوم هجری

سیوطی از ابی امامه نقل می‌کند هنگامی که آیه "و انذر عشیرتک الاقربین" (شعراء ۲۱۴) نازل شد رسول خدا همسران و اهل خانه را جمع کرد و فرمود یا عایشه و یا حفصه و یا ام سلمه و یا فاطمه بنت محمد و یا ام الزبیر، ائتروا انفسکم من الله و اسعوا فی فکاک رقابکم... (سیوطی ج ۶ ص ۳۲۷).

مفسرین و مورخین اتفاق نظر دارند که این آیه مکی است و در سال سوم بعثت نازل شده است (ابن اثیر ج ۱ ص ۴۸۶). بنابراین تاریخ با این حدیث سازگاری ندارد.

### ۵- روایت سدّ باب منزل عباس عموی پیامبر (ص)

پاره‌ای روایات حکایت از آن دارد هنگامی که رسول خدا (ص) ساخت مسجد را در مدینه آغاز کرد، مهاجرین و انصار دروازه‌های منازل خود را به سمت مسجد گشوند. جبریل آمد و دستور سدّ ابواب را داد. نخستین دری که به دستور پیامبر بسته شد درب خانه عباس، عموی آن حضرت بود.

طبق نقل‌های تاریخی، عباس در هجرت پیامبر به مدینه حاضر نبوده و در جنگ بدر اسیر شده بوده است، چگونه می‌تواند در زمان ساخت مسجد -که مصادف با سال اول هجری است- درب خانه‌اش به سوی مسجد باشد (تستری ص ۱۸۵).

### ۶- مسمومیت براء بن معرور در خیبر

بر طبق نقل تفسیر قمی، رسول خدا (ص) هنگام بازگشت از خیبر با زن یهودیه‌ای مواجه شد که کتف گوسفند مسمومی را نزد حضرت آورد. براء بن معرور که در آنجا بود لقمه‌ای از آن گوشت را در دهان گذاشت و مرد.

براء، از بزرگان صحابه است که به اتفاق مورخان قبل از هجرت از دنیا رفته در حالی که نبرد خیبر در سال ششم یا هفتم اتفاق افتاده است (تستری ص ۱۶۳).

#### ۷- عکرمه بن ابوجهل ذریه طیبه

تفسیر قمی آورده است که رسول خدا به اباجهل - هنگامی که از آن حضرت خواست از خدا بخواهد که صاعقه‌ای او را نابود کند - فرمود: خداوند تو را نگه داشته تا از نسل تو فرزند پاکیزه‌ای به نام عکرمه خارج شود که نزد خدا منزلت و جلالت و قدر دارد و آلا خدا تو را عذاب می‌کرد. این روایت با تاریخ زندگی عکرمه تناسب ندارد. رسول خدا (ص) در فتح مکه فرمان به قتل عکرمه داد. عکرمه بعد از اسلام آوردن ظاهری، با امیرالمومنین (ع) نیز مخالفت کرد (تستری ص ۱۶۴).

#### ۸- حضور خلفا در مباحله

طبق پاره‌ای روایات از امام صادق (ع) آمده است که در جریان مباحله، ابوبکر و فرزندش، عمر و فرزندش، عثمان و فرزندش و علی (ع) و فرزندش شرکت داشتند (متقی هندی ج ۲ ص ۳۷۹).

این خبر با روایات معتبر و مستفیض، مبنی بر حضور اهل بیت (ع) در آیه مباحله سازگار نیست. مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: این روایت شاذی است که باتمام روایات مذکور در تفسیر آیه مباحله - که بسیار فراوان و مشهور هستند - در تعارض است و با واقعیت مطابقت ندارد (طباطبایی ج ۳ ص ۲۶۶).

#### ۹- ابوسفیان و پیشنهاد ازدواج دخترش

مسلم در فضایل اباسفیان آورده که وی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد از شما می‌خواهم با ۳ پیشنهاد من موافقت کنید، (۱) ازدواج با دخترم ام‌حبیبه، (۲) معاویه نزد شما کاتب باشد، (۳) به من فرمان بدهید همانطور که با مسلمانان جنگیدم با کافران نیز بجنگم (مسلم ج ۷ ص ۱۷۱).

ابن جوزی در رابطه با این حدیث می‌نویسد:

اهل تاریخ اتفاق نظر دارند که ام‌حبیبه، همسر عبیدالله بن حشیش بود که هر دو به حبشه هجرت کردند و رسول خدا بعد از فوت شوهرش او را به همسری خود درآورد. این جریان در

سال هفتم هجری واقع شد. ابوسفیان پس از صلح حدیبیه به قصد سازش به مدینه آمد و در سال ۸ هجری مسلمان شد. در تاریخ نیز نیامده که رسول خدا (ص) به ابوسفیان فرمانی داده باشد (ابن جوزی ص ۵۲).

#### ۱۰- خطبه البیان

ابن مسعود در روایت موضوعی از امیرالمومنین (ع) نقل کرده، حضرت علی (ع) پس از خلافت، به بصره آمد و در مسجد شهر بر بالای منبر رفت و خطبه ای ایراد کرد که هوش از سر انسان می برد. رسول خدا (ص) از علی خواسته بود این خطبه را که به خطبه البیان مشهور است، ایراد کند.

حضرت در این خطبه اوصاف بسیاری برای خود ذکر می کند که برخی از آنها با مبانی اعتقادی تناسب ندارد. به علاوه پیشگویی هایی دارد که در منابع معتبر یافت نمی شود (قندوزی ج ۲ ص ۲۰۵).

مرحوم جعفر مرتضی عاملی نقدهای تاریخی را بر این خطبه وارد کرده است: الف- ابن مسعود در سال سی و دوم، در زمان خلافت عثمان در گذشته است، پس نمی تواند در زمان خلافت علی (ع) زنده بوده باشد.

ب- حضرت علی (ع) در سال ۳۵ هجری به بصره رفت و سپس به کوفه آمد. هیچ دلیل تاریخی نداریم که هنگام نزدیک شدن رحلتش به بصره آمده باشد.

ج- در این خطبه آمده ابن یقظین به پا خاست و سخن گفت. در حالی که او در زمان علی (ع) هنوز متولد نشده بود.

#### ۱۱- دعای کفر ابوطالب و حدیث صخضاح

عباس عموی پیامبر می گوید: به رسول خدا (ص) عرض کردم عمویت ابوطالب از تو سودی نبرد، در حالی که از شما دفاع کرد و برای شما خشمگین شد. رسول خدا (ص) فرمود: هو فی صخضاح من نار و لولا انا لکان فی الدرک الاسفل من النار: او در حوضچه ای از آتش قرار دارد و اگر من نبودم در پایین ترین درجه جهنم به سر می برد (بخاری ج ۳ ص ۱۴۰۸).

شبیبه این روایت با تعبیر دیگری از اباسعید خدری نیز نقل شده (همو ص ۱۴۰۹). مسلم نیز این روایت را آورده است (مسلم ج ۱ ص ۱۹۵).

قطع نظر از اشکال سندی که بر روایت وارد است، به دلیل اینکه ناقل آن سفیان توری است

که اهل تدلیس است. و این غیر از مخالفت حدیث با قرآن و سنت نبوی است. (ر، ک نجفی ص ۲۳۲) این حدیث با تاریخ حیات حضرت ابوطالب در تعارض است و اشعار او، عملکرد او، سخنان و وصایایش، شواهدی بر این مدعاست. علامه امینی بعد از ذکر اشعار ابوطالب (ع) تصریح می‌کند که مطالعه تاریخ زندگی ابوطالب و تلاش‌های او در تثبیت موقعیت رسول خدا (ص) نشان از عقیده صحیح او دارد (امینی ج ۷ ص ۳۴۷). همچنین برخی شواهد تاریخی، گواه بر آن است که بنی‌امیه و بنی‌عباس، این مطالب را جعل کرده‌اند.

#### ۱۲- اقامه نماز خلیفه اول بر حضرت زهرا (س)

ابن عدی در الکامل از قول مالک بن انس نقل کرده که امام صادق (ع) فرمود: حضرت فاطمه (س) شبانه از دنیا رفت. پس ابوبکر و عمر و عثمان، طلحه و زبیر و سعید و عده زیادی حاضر شدند و ابوبکر به حضرت علی (ع) گفت: بر فاطمه نماز بگذار. علی (ع) فرمودند: لا والله ما تقدمت و انت خلیفه رسول الله، قال فتقدم ابوبکر فصلی علیها فکبر علیها اربعا و دفنها لیلا: نه به خدا قسم که بر تو پیشی نمی‌گیرم در حالی که تو جانشین رسول خدا (ص) هستی، ابوبکر نماز خواند و بر آن حضرت چهار تکبیر گفت و فاطمه را شبانه دفن کردند (ابن عدی ج ۵ ص ۴۲۲). قطع نظر از ضعف سند، این روایت با تاریخ و کیفیت دفن حضرت زهرا (س) در تعارض است. آن حضرت تا آخر عمر با ابوبکر سخن نگفت و بر او غضبناک بود (بخاری ج ۵ ص ۱۳۹).

واقعی تصریح می‌کند: نزد ما ثابت است که علی (ع) ایشان را شبانه دفن کرد و بر ایشان نماز خواند. عباس و فضل هم همراه آن حضرت بودند و آنها هیچ فردی را با خبر نکردند (حلبی ج ۳ ص ۵۱۱).

منابع تاریخی تاکید دارند که حضرت زهرا (س) رسماً از شرکت افرادی از جمله ابابکر و عمر در مراسم دفن کراهت داشت و به علی (ع) در این باره سفارش کرده بود (امینی، ج ۳ ص ۳۶۰).

## نتیجه

بدون تردید حدیث، نقشی عمده و اساسی در فهم دین دارد. بدون تمسک به احادیث نمی‌توان در حوزه معارف، احکام، تفسیر، تاریخ و... به دیدگاه واقعی دین دست یافت. روایات نقش تبیینی نسبت به آیات قرآن دارند. تلاش گسترده و خالصانه دانشمندان شیعه از مرحوم کلینی تاکنون، منجر به جمع‌آوری ده‌ها هزار حدیث و تدوین تعداد زیادی از آثار گران‌سنگ شده که فقها و دانشمندان امروز بر سر سفره چنین تلاش‌هایی نشستند و از آن بهره‌مندی بردند؛ اما مجموعه‌های ارزشمند حدیثی از دست جاعلان و دروغ‌پردازان مصون نمانده است. برخی ناآگاهانه و بسیاری نیز آگاهانه اقدام به جعل و تحریف احادیث کرده‌اند. علاوه بر این، برخی هم به سبب اختلاف مبنا و بعضی نیز از سر دلسوزی، هر چیزی را در آثار خود گرد آورده‌اند؛ ضمن اینکه در مواردی نیز نقل‌ها دچار تصحیف، جابه‌جایی، نقصان یا افزایش شده که این امور مجموعاً موجب پیدایش روایات متعارض گشته است. برای تشخیص روایات معتبر باقی مانده از گذشته، دانشمندان فریقین معیارهایی را ذکر کرده‌اند. یکی از معیارها، سنجش نقل‌های معتبر با شاخص‌های اطمینان‌بخش تاریخی است. در این پژوهش ضمن بیان اهمیت این امر به ذکر و بررسی ده مورد از موارد کارآمدی تاریخ، در نقد احادیث پرداختیم.

## منابع

### قرآن مجید

- ۱- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۳۸۶ ق)، الموضوعات، مدینه، المكتبه السلفیه.
- ۲- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶)، مقدمه، محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- ابن عدی، جرجانی، ابواحمد عبدالله (۱۴۰۹ ق)، الكامل فی ضعفاء الرجال، بیروت، دارالفکر.
- ۴- ابن صلاح، ابوعمر و عثمان بن عبدالرحمان الشهرزی (۱۴۱۶ ق)، علوم الحدیث لابن صلاح، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۵- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن (۱۴۱۵ ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر.
- ۶- ابن عبدالبر، یوسف (بی تا)، جامع بیان العلم و فضلہ، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۷- ابوریثه، محمود (۱۴۱۳ ق)، اضواء علی السنّه المحمديه، قم، موسسه انصاریان.
- ۸- احمد امین (بی تا)، فجر الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۹- امینی، عبدالحسین (۱۳۹۲ ق)، الغدیر فی الکتاب و السنه والادب، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۱۰- بحرانی، یوسف (۱۳۶۳ ق)، الحدائق الناظره، قم، جامعه المدرسین.
- ۱۱- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ ق)، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر.
- ۱۲- بیضایی، قاسم (۱۴۳۲ ق)، مبانی نقد متن الحدیث، قم، مرکز المصطفی العالمیه.
- ۱۳- تستری، محمدتقی (۱۴۰۱ ق)، تهران، مکتبه الصدوق، مطبعه الحیدری.
- ۱۴- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ق)، تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت، دارالعلم.
- ۱۵- جرجی زیدان (۱۳۴۵)، تاریخ تمدن اسلام، علی جواهری کلام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۶- حاجی خلیفه، مصطفی افندی (بی تا)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، داراحیاء التواتر العربی.
- ۱۷- حاج حسن، حسین (۱۴۰۵ ق)، نقد الحدیث فی علم الروایه و علم الدرايه، بیروت،



موسسه الوفاء.

- ۱۸- حلبی، علی بن ابراهیم، السیره الحلبیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۹- خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۵ ق)، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالزهراء.
- ۲۰- رفیعی محمدی (۱۳۸۵ ش)، ناصر، وضع حدیث، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۲۱- سبحانی، جعفر (۱۴۱۹ ق)، الحدیث النبوی بین الروایه و الدرايه، قم، موسسه امام صادق (ع).
- ۲۲- سخاوی، شمس الدین (۱۳۶۸ ق)، الاعلان بالتویخ لمن ذم أهل التاريخ، چاپ شده در تاریخ تاریخننگاری در اسلام، فرانتس، روزنتال، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۲۳- سیوطی، جلال الدین (۱۳۶۵ ق)، الدر المنثور، جده، دارالمعرفه.
- ۲۴- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۲ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۵- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۵ ش)، قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۶- طبری، محمد جریر (بی تا)، تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ الطبری)، بیروت، موسسه الاعلمی.
- ۲۷- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، موسسه دار الهجره.
- ۲۸- فرانتس، روزنتال (۱۳۶۸)، تاریخ تاریخننگاری در اسلام، اسدالله آزاد، آستان قدس رضوی.
- ۲۹- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ ق)، ینابیع الموده لذوی القربی، قم، دارالاسوه.
- ۳۰- کافجی، محی الدین، المختصر فی علم التاريخ، چاپ شده در تاریخ تاریخننگاری در اسلام، فرانتس روز نتال.
- ۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۲- متقی هندی، علاء الدین علی (۱۴۰۹ ق)، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله.
- ۳۳- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، موسسه الوفاء.
- ۳۴- مسلم، بن الحجاج القشیری النیسابوری (۱۴۰۲ ق)، صحیح مسلم، قاهره، دارالحدیث.
- ۳۵- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی عبدالله، قم،

موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

۳۶- میرداماد، محمدباقر (۱۴۰۵ ق)، الرواشح السماویه فی شرح احادیث الامامیه، قم ف

مکتبه السید المرعشی.

۳۷- نجفی، محمدصادق (۱۳۹۰)، سیره در صحیحین، بوستان کتاب قم.